

مادران توانمند، تامین کننده امنیت و سلامت روان فرزندان

سپهرغرب، گروه ریحانه آفرینش - طاهره ترابی‌مهوش؛ دکتر تاجیک‌اسماعیلی استاد دانشگاه خوارزمی با تاکید بر ضرورت کسب توانمندی‌های لازم قبل از مادر شدن توسط بانوان گفت:حضور مادران در سال‌های نخست حیات تأثیر بسزایی در شکل‌گیری امنیت روانی در کودکان دارد.

مادران در کانونی‌ترین جایگاه خانواده قرار دارند آن‌ها می‌توانند با جمله‌ای، لبخندی یا پختن یک غذای ساده اما متفاوت یا تغییر چیدمان خانه، حال دل اهالی یک خانه را تغییر دهند فقط کافی است که علیرغم تمام مشکلات حال دل خودشان خوب باشد نکته مهم در این میان این است که بانوان چه در نقش مادری و چه در نقش همسری تأثیر ویژه‌ای بر کیفیت حیات اعضای خانواده که تشکیل‌دهنده جامعه هستند می‌گذارند درواقع سلامت روان این نیمه پیکره اجتماع به طور مستقیم و اثرگذاری برسلامت بخش دیگر جامعه موثر است

در این میان به عنوان مثال می‌توان به افسردگی به عنوان یک بیماری روانی شایع در میان زن‌ها اشاره کرد این بیماری منجر به مختل شدن سلامت روان خانم‌ها می‌شود. زنی که افسرده باشد نمی‌تواند وظایف خود را در خانواده به خوبی ایفا کند و تأثیر نامطلوبی بر همسر و فرزندان خود می‌گذارد. اینکه دلایل ایجاد افسردگی در زن‌ها چیست، پاسخ‌های زیادی دارد که فقر، خشونت‌های خانگی و نداشتن احترام در خانه، کمبود و فقدان نقش‌های اجتماعی، کمبود روابط اجتماعی مؤثر، برخوردار نبودن از حمایت اجتماعی و ناامیدی و درماندگی می‌تواند از مهم‌ترین آنها باشد. همچنین زنانی که مادر می‌شوند به دلیل نقش‌های جنسیتی که با ورود فرزند به خانواده بر عهده آنها قرار می‌گیرد، اغلب دچار افسردگی می‌شوند. با توجه به این که گفتمین زنان نقش زیادی در سلامت خانواده دارند، کمک به آنها در غلبه بر افسردگی می‌تواند به سلامت خانواده کمک کند.

بانویی که در جمع خانواده مورد تایید به ویژه از سوی پدر یا همسر خود قرار می‌گیرد بهتر و بیشتر می‌تواند در برابر مشکلات بایستد و درعین حال حمایتگر خانواده در گرداب مشکلات مختلف از اقتصادی گرفته تا آسیب‌های اجتماعی باشددرواقع وضعیت سلامت روانی مادران در تعامل دو طرفه با سلامت روانی خانواده قراردرد هم می‌تواند به اعضای خانواده انرژی بدهد و

مادران توانمند، تامین کننده امنیت و سلامت روان فرزندان

هم می‌تواند از آن‌ها انرژی بگیرد و با مضاعف کردن آن کیفیت سلامت روانی خانواده را افزایش دهد با توجه به اهمیت موضوع بر آن شدیم تا دراین‌باره گفت‌وگویی را با عزیزالله تاجیک اسماعیلی دانش‌آموخته دکتری روان‌شناسی و استاد دانشگاه خوارزمی ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید:

س: این دانش‌آموخته دکتری روانشناسی در بدو امر با ارائه تعریفی ساده از سلامت روان، عنوان کرد: سلامت روان در یک تعریف کلی و اجمالی بدان معنا است که هر فردی در زندگی خود متناسب با خصوصیات و استعداد‌های روانی، ذهنی و شخصیتی بتواند به صورت متعادل رشد کند.

عزیزالله تاجیک‌اسماعیلی با تاکید براینکه رشد خود جنبه‌هاو ابعاد مختلفی از جنبه جسمی گرفته تا ابعاد ذهنی،جنبه عاطفی،جنبه اجتماعی و اخلاقی را شامل می‌شود خاطر نشان کرد: درواقع وقتی می‌توان کسی را سالم قلمداد کرد که متناسب با شرایط سنی، اجتماعی و فرهنگی رشد خوبی داشته باشد.

وی با تاکید براینکه بخش اساسی و بنیادین از رشد شخص که درابعاد مختلف تعریف شده باید در محیط خانواده شکل بگیرد، اذعان کرد: مثلاً قبل از هر چیز باید نیازهای جسمی یک کودک را برآورد تا امنیت روانی او برقرار شود یعنی به محض تولد، دنیای امن و آرامی را در قالب خانواده تجربه کند. تاجیک‌اسماعیلی با تاکید بر اینکه در گام‌های نخست حیات کسی که نقش اساسی را برای تأمین این امنیت روانی درفرد ایفا می‌کندمادر است. افزود: آغوش گرم مادر و تاییدی که حالت صورت و رفتار او به نوزاد القا می‌کند تأثیر بسزایی در این بخش دارد

چهره و وجود مادر تامین کننده امنیت روانی نوزاد

وی با تاکید براینکه می‌توان گفت تأمین امنیت روانی کودک در سال‌های نخست زندگی منوط به وجود و چهره مادر است. ابراز کرد: نکته اینجااست که خصوصیات و مولفه‌هایی همچون پذیرش عاطفی در فرد در سال‌های ابتدایی زندگی او از طریق تغذیه، نوازش توسط مادر در ساختار ذهنی شکل می‌گیرد که از آن ما به عنوان دلبستگی یاد می‌کنیم.

وی با تاکید براینکه دراین ایام باید این احساس درکودک شکل بگیرد که به یک فرد بیرونی تعلق دارد، اظهار کرد: درخانواده این‌ مادر است که کانون امنیت و آرامش فرزندان به حساب می‌آید به همین خاطر هرگونه خلغ یا اختلال در وجود یا حضور مادر می‌تواند به کودک آسیب‌های گاه جبران ناپذیری وارد کند.

این دانش‌آموخته دکتری روانشناسی با تاکید براینکه نفسی وجود مادر برای کودک یک منبع بسیار حیاتی برای ایجاد امنیت روانی است که پایه رشد او را شکل می‌دهد اذعان کرد: این اهمیت بدان جهت است که در سال‌های بعد، کودکی که امنیت روانی سال‌های ابتدای زندگی را در وجود مادر تجربه نکرده به سختی می‌تواند محبت کرده و محبت پذیرد و به همین خاطر، ممکن است دریاجاد روابط با دیگران در جامعه دچار اختلال شود.

تاجیک‌اسماعیلی با بیان اینکه البته دراین بین نباید از لزوم آگاهی‌ها، مهارت‌ها و اطلاعاتی که مادران باید به آن‌ها در مسیر ارتقای رشد روانی کودکان مجهز باشند غافل شد،افزود: باز هم تاکید می‌کنم برای رشد و تربیت فرزند وجود و بودن مادر در کنارکودک ضروری است اما باید به چگونگی این بودن نیز توجه کرد.

این روانشناس با تاکید براینکه باید مادران به لحاظ روانی بتوانند با فرزندان درست رفتارکرده و تعادل را رعایت کنند، اذعان کرد: آنچه مسلم است اینکه مادر باید آن‌قدرآگاه باشد که بداند درموقیع‌های مختلف بنا به شرایط سنی با فرزندان چگونه رفتار کنند بنابراین طبعاً اگر مادری از این توانایی‌ها بهره‌مند باشد میزان رشد روانی و سلامت فرزندانش به مراتب بیشتر خواهد شد. وی با تاکید براینکه برای تضمین سلامت روان کودک درخانواده نباید دو نکته را از یاد برد، تصریح کرد: نخست اینکه در سال‌های اولیه تولد کودک یعنی تا دو سالگی به هیچ‌وجه مادراز او

ریحانه آفرینش

مادران توانمند، تامین کننده امنیت و سلامت روان فرزندان

جدان شود بنابراین حتی اگر مادری شاغل بود باید در محیط شغلی او شرایطی فراهم شود که کودک به هیچ‌وجه دچار محرومیت از حضور مادر نشود. وی،ادامه داد: نکته دوم اینکه که اگر زنی قصد مادرشدن دارد باید بداند که در دنیای پیچیده امروز نیاز به دانش،آگاهی و مهارت‌های تربیتی بسیار زیادی در دوره‌های رشد با فراز و نشیب‌های عاطفی و روانی دارد و درواقع این یک مادرمدیر، مدبر و به اصطلاح توانمند است که می‌تواند بچه‌ها را از مسیر بحرانی رشد روانی عبور دهد.

ر: رشد معنوی کودکان یکی از ارکان سلامت آن‌ها
استاد دانشگاه خوارزمی درخصوص نقش مادران درارتقای معنویت کودکان به یکی از ارکان سلامت روان در خانواده و نقش مادران درشکل‌بری این معنویت، اشاره کرد و افزود: آنچه دراین بین از اهمیت بالایی برخورداراست اینکه اوج رشد روحی و شخصیتی انسان رشد معنوی است و در واقع آن‌چه تاکنون به عنوان رشد عاطفی و هیجانی یا رشد عقلی از آن‌ها یاد شد در مرتبه اولای خود به رشد معنوی ختم می‌شود. وی با تاکید براینکه این رشد معنوی درخانواده

مادران توانمند، تامین کننده امنیت و سلامت روان فرزندان

در قالب ارزش‌های مقدس، اعتقادات دینی و باورهای انسانی تجلی پیدا می‌کند اذعان کرد: به همین خاطر اصولا خانواده ازیک منظر خودساختاری بی‌نقص و مکانی مقدس است. تاجیک اسماعیلی ادامه داد: یعنی پدر و مادر باید در این زمینه هر دو به خانواده و ارتباطشان با یکدیگر و همچنین ارتباط آن‌ها با فرزندان به عنوان یک رابطه مقدس و معنوی نگاه کنند زیرا معمولاً انسان‌هایی که درکودکی مسیر معنوی را درخانواده پیدا نمی‌کنند هیچگاه اضطراب از وجودشون بیرون نخواهد رفت.

وی با تاکید براینکه این آرامش روانی و معنوی در تعبیر قرآنی و حتی در آیه شریفه ۲۸ سوره رعد مورد توجه قرار گرفته،اذعان کرد: آن‌چه مسلم است اینکه طبق این آیه تنها با یاد خداست که دل آرام می‌گیرد و از نظر معنوی می‌توان آن را این گونه معنا کرد که فرد وقتی دنبال معنویات است معمولاً نوعی اوج و رشد لایتناهی و درواقع نوعی از خود فرارفتن را تجربه می‌کند که بتواند براساس آن ناگفته‌ها و ناشناخته‌های انسانی که در درون خود دارد را احساس و آن‌ها را در درون زندگی خود تجلی بدهد.

- دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۴۰۳**
- سال هفدهم - شماره ۲۹۲۴**

مکتب مقاومت زنانه؛ زیست عزتمندانه

این روانشناس، ادامه داد: حال آن‌که این‌اوج و رشد لایتناهی را می‌توان همان ارزش‌های اعتقادی ودینی دانست به همین دلیل دراین بین نیز می‌توان برای والدین و به ویژه مادر نقش موثری را در نظر گرفت. وی با تاکید براینکه رفتارمعنوی مادر می‌تواند در سلامت روان کودک موثر واقع شود،تشریح کرد: چگونگی برخورد مادر با فرزند به عنوان مثال اینکه با کودک خود خشن رفتار نکرده و از کلمات و عبارات ناپسند استفاده نکنندو درعین حال حرمت و منزلت فرزند را مقدس شمرده و آن را مهم تلقی کند، خود منجر به رشد معنوی کودک خواهد شد.

تاجیک‌اسماعیلی، خاطر نشان کرد: به همین خاطر است همواره درجامعه این عرف حاکم‌شده که دراغلب موارد افراد سالم و خوب به لحاظ روانی در دامان یک مادر خوب تربیت شده‌اند ودرواقع معنویت که آن‌ها به لحاظ روانی از آن برخوردار هستند همان معنویت و قداستی است که در محیط خانواده و در وجود مادر وجود داشته که نهایتاً در ساختار روانی آن‌ها تجلی یافته است.

مادران توانمند، تامین کننده امنیت و سلامت روان فرزندان

سپهرغرب، گروه ریحانه آفرینش - طاهره ترابی‌مهوش؛ دکتر تاجیک‌اسماعیلی استاد دانشگاه خوارزمی با تاکید بر ضرورت کسب توانمندی‌های لازم قبل از مادر شدن توسط بانوان گفت:حضور مادران در سال‌های نخست حیات تأثیر بسزایی در شکل‌گیری امنیت روانی در کودکان دارد. مادران در کانونی‌ترین جایگاه خانواده قرار دارند آن‌ها می‌توانند با جمله‌ای، لبخندی یا پختن یک غذای ساده اما متفاوت یا تغییر چیدمان خانه، حال دل اهالی یک خانه را تغییر دهند فقط کافی است که علیرغم تمام مشکلات حال دل خودشان خوب باشد نکته مهم در این میان این است که بانوان چه در نقش مادری و چه در نقش همسری تأثیر ویژه‌ای بر کیفیت حیات اعضای خانواده که تشکیل‌دهنده جامعه هستند می‌گذارند درواقع سلامت روان این نیمه پیکره اجتماع به طور مستقیم و اثرگذاری برسلامت بخش دیگر جامعه موثر است

مادران توانمند، تامین کننده امنیت و سلامت روان فرزندان

هم می‌تواند از آن‌ها انرژی بگیرد و با مضاعف کردن آن کیفیت سلامت روانی خانواده را افزایش دهد با توجه به اهمیت موضوع بر آن شدیم تا دراین‌باره گفت‌وگویی را با عزیزالله تاجیک اسماعیلی دانش‌آموخته دکتری روان‌شناسی و استاد دانشگاه خوارزمی ترتیب دهیم که در ادامه می‌خوانید:

س: این دانش‌آموخته دکتری روانشناسی در بدو امر با ارائه تعریفی ساده از سلامت روان، عنوان کرد: سلامت روان در یک تعریف کلی و اجمالی بدان معنا است که هر فردی در زندگی خود متناسب با خصوصیات و استعداد‌های روانی، ذهنی و شخصیتی بتواند به صورت متعادل رشد کند.

عزیزالله تاجیک‌اسماعیلی با تاکید براینکه رشد خود جنبه‌هاو ابعاد مختلفی از جنبه جسمی گرفته تا ابعاد ذهنی،جنبه عاطفی،جنبه اجتماعی و اخلاقی را شامل می‌شود خاطر نشان کرد: درواقع وقتی می‌توان کسی را سالم قلمداد کرد که متناسب با شرایط سنی، اجتماعی و فرهنگی رشد خوبی داشته باشد.

وی با تاکید براینکه بخش اساسی و بنیادین از رشد شخص که درابعاد مختلف تعریف شده باید در محیط خانواده شکل بگیرد، اذعان کرد: مثلاً قبل از هر چیز باید نیازهای جسمی یک کودک را برآورد تا امنیت روانی او برقرار شود یعنی به محض تولد، دنیای امن و آرامی را در قالب خانواده تجربه کند. تاجیک‌اسماعیلی با تاکید بر اینکه در گام‌های نخست حیات کسی که نقش اساسی را برای تأمین این امنیت روانی درفرد ایفا می‌کندمادر است. افزود: آغوش گرم مادر و تاییدی که حالت صورت و رفتار او به نوزاد القا می‌کند تأثیر بسزایی در این بخش دارد

آتش زدن به انسانیت با جنسیت‌زدایی

زن و مرد با مونث و مذکر این است که علاوه بر انسان به حیوانات و تمام موجودات دیگر تعلق می‌گیرد. به گفته غلاسوند «این مذکر و مونث طبیعی از تمام خصوصیات روحی؛ روانی و رفتاری خالی است. فقط یک بدن محض است. اما این واژه‌ها هنوز می‌گویند؛ ما جنس طبیعی را داریم و نمی‌توانیم آن را کرتمان کنیم.» غلاسوند بیان می‌کند: «از سال ۲۰۰۰ به بعد روند تغییر، عجیب‌تر شد. طرفداران این گفتمان پا را فراتر گذاشتند. تا الان دایره جنس را کوچک‌تر می‌کردند، اما از آن سال به بعد گفتند ما اصلا جنس نداریم (کی گفته جنس طبیعی فقط زن ومرد است؟) ما برای همه از واژه gender (گرایش) استفاده نمی‌کنیم. خود فرد هم گرایش جنسی‌اش را تعیین می‌کند.»

■ **والد ۲۰ به جای پدر و مادر**

به نقل از دویچه وله، در چند سال اخیر هم در فرم‌های کشورهایی مثل آمریکا در بخش تعیین جنسیت F و M حذف شده است و به جای آن G اضافه شده. یعنی فقط گرایش‌های جنسی‌شان را باید بنویسند. علاوه بر این در بعضی دیگر از کشورها مثل آلمان، جنس سوم، غیره، دیگری ... هم به فرم‌ها اضافه شده است. این متجلب غرب فقط به دنبال تغییر ضمیر افراد و بی‌هویتی جنسیتی نیست. پیش‌تر هم آنتونی بلینکن رئیس وزارت امور خارجه آمریکا در یادداشتی نوشت: «از اصطلاحات رایج مانند مادر و پدر، پسر و دختر، شوهر و زن نباید استفاده شود.

به جای اینها کلماتی مانند همه شما، والد، فرزند و شریک زندگی جایگزین شود. زیرا جنسیت امر اکتسابی است. هویت جنسی یک فرد، ممکن است با جنسیت تعیین شده در بدو تولد مطابقت نداشته باشد یا نداشته باشد.» به همین خاطر در شناسنامه‌های فرزندان‌شان به جای لفظ پدر و مادر، از والد ا و والد ۲ استفاده می‌کنند. که این والد‌ها هرکدام می‌تواند زن، مرد یا هم جنس باشد.

■ **حواسمان به متجلب غرب باشد**

زمانی غربی‌ها بخاطر احترامی که برای مادر باردار قائل بودند، از اصطلاح with a baby (با بچه) استفاده می‌کردند. اما امروز به جایی رسیده‌اند که تمایلی به بودن نام مادر در شناسنامه ندارند. در بسیاری از برنامه‌هایشان به جای مادر، از اصطلاح فرد زاینده استفاده می‌کنند. در بحث خانواده هم همین متجلب وجود دارد. ما باید حواسمان را جمع کنیم. امام علی (ع) می‌فرمایند: «خداوند از اولیاء خود نمی‌پسندد که در زمین گناهی انجام گیرد و آن‌ها همچنان ساکت و آرام باشند.» فرهنگ مانند ویروس تکثیر پیدا می‌کند. در دنیای امروز که اطلاعات با سرعت بالایی منتقل می‌شود، فکر نکنیم این اضمحلال از کشور ما خیلی دور است

آتش زدن به انسانیت با جنسیت‌زدایی

زن و مرد با مونث و مذکر این است که علاوه بر انسان به حیوانات و تمام موجودات دیگر تعلق می‌گیرد. به گفته غلاسوند «این مذکر و مونث طبیعی از تمام خصوصیات روحی؛ روانی و رفتاری خالی است. فقط یک بدن محض است. اما این واژه‌ها هنوز می‌گویند؛ ما جنس طبیعی را داریم و نمی‌توانیم آن را کرتمان کنیم.» غلاسوند بیان می‌کند: «از سال ۲۰۰۰ به بعد روند تغییر، عجیب‌تر شد. طرفداران این گفتمان پا را فراتر گذاشتند. تا الان دایره جنس را کوچک‌تر می‌کردند، اما از آن سال به بعد گفتند ما اصلا جنس نداریم (کی گفته جنس طبیعی فقط زن ومرد است؟) ما برای همه از واژه gender (گرایش) استفاده نمی‌کنیم. خود فرد هم گرایش جنسی‌اش را تعیین می‌کند.»

آقا و خانم استفاده نمی‌کنند. میدا، موسس یک نهاد مردمی در کانادا که خودش یک ترنس است، می‌گوید: «این فرد است که تصمیم می‌گیرد با چه ضمیری خطاب قرار گیرد. در زبان‌هایی که ضماین مذکر و مونث دارند، بعضی از افراد ترجیح می‌دهند با ضمیری مثل «ایشان» خطاب قرار گیرند. استفاده از ضماین مناسب برای این افرادی اهمیت زیادی دارد. ضمیر بیان‌گر هویت جنسیتی است که هر فرد برای خودش تعریف می‌کند. ممکن است فرد به فرد متفاوت باشد.»

■ **ترنسجنندر؛ محصول فمینیسم**

شاید تعجب کنید اگر بگویم که ترنسجنندر و جنسیت‌زدایی هم مثل خیلی از گرایشات جنسی منحرف دیگر، سوغات فمینیسم است. همانجایی که سیمون دوبووار نویسنده کتاب جنس دوم، گفت: «هیچکس زن به دنیا نمی‌آید بلکه زن می‌شود.» جرقه همین جنسیت‌زدایی زده شد، فریبا غلاسوند عضو هیئت علمی پژوهشکده زن و خانواده می‌گویند: «فمینیسم‌ها زنانگی را برساخت عناصری مثل فرهنگ، خانواده، تربیت، رسانه و مذهب می‌داندن. تا زن را آنگونه که می‌خواهند تعریف کنند. در واقع تعریف خودشان را به افراد تحمیل می‌کنند. مدعی‌اند وقتی شما یکسری امور برای زن و مرد بودن را مرتب القا می‌کنید، افراد براساس آن‌ها پرورش می‌یابند.»

غلاسوند اشاره می‌کند: «حتی ترشح هورمون‌های زنانه و مردانه را هم حاصل واکنش به موقعیت می‌دانند. از نظر آن‌ها چون زن‌ها در خانه هستند، هورمون‌هایشان به مرور زمان به این شکل درآمد اما اگر زن‌ها مانند مرد‌ها بیرون بیایند دقیقاً همان هورمون‌های مردانه را ترشح می‌کنند.»

■ **دعوا از جنسیت خنثی تا بی‌جنسیتی**

دعوی فمینیسم از woman (زن) و man (مرد) شروع شد. اما از این هم عبور کرد. به male (مذکر) و female (مونث) رسید. فرق

سپهرغرب، گروه ریحانه آفرینش؛ گرایشات مختلف جنسی در غرب، با تلاش‌های زیاد هویت و جنسیت را از هم جدا کرده‌اند تا افراد را با نام‌ها و ضمیرهایی که خود فرد دوست دارد، صدا کنند. این عامل باعث تعریف‌های بسیار زیادی شده است. «اسلام، من دیوید هستم و ترجیح می‌دهم فقط با اسمم صدایم کنید. لفظ خانم یا آقا را نمی‌پسندم» این گفته یک دانش‌آموزان ترنس در یکی از ایالت‌های آمریکاست. به نقل از روزنامه نشویل در تاریخ ۸ آگوست ۱۸۰۸ (مرداد)، اسامال اولین سالی است که مدارس ایالت تنسی آمریکا باید دانش‌آموزان ترنسجنندر را به والدین خود واگذار کنند. این قانون توسط بیل لی فرماندار این ایالت تصویب شده است. در ادامه این گزارش با اشاره به نظرات موافقان آمده است: والدین حق دارند بدانند فرزندشان تمایل دارد با چه ضمیری صدا شود.

■ **جنسیت اکتسابی، سوغات لیبرال‌ها**

یکی از کارهایی که نظام سرمایه‌داری و لیبرال هزینه زیادی برای آن کرده، جنسیت‌زدایی است. تلاش‌های بسیاری کرد تا بگوید جنسیت درونی نیست بلکه اکتسابی است. هرکسی باید هر جنسیتی که خودش می‌خواهد، داشته باشد. نباید، جنسیت هنگام تولد، عرف و... تعیین کنند که چه چیزی باشید یا نباشید. اصطلاح ترنسجنندر که اولین بار توسط کلینیک هیرشفلد آلمان در سال ۱۹۳۳ مطرح و ابداع شد، به افرادی گفته می‌شود که هویت جنسی خود را قبول ندارند. به طور مثال فرد پسر متولد شده است اما خودش را دختر می‌داند. پوشش، رفتارها، فعالیت و... را از دخترها تقلید می‌کنند.

■ **افراد را آن‌طور که می‌خواهند، صدا کنید**

از جمله کارهایی که طرفداران ترنسجندر در کشورهای غربی انجام دادند، استفاده از لفظ they، it، he، یا she است. در واقع در واقع این افراد در صحبت‌ها و معرفی خودشان از لفظ